

کارآفرینی راهکاری جهت توسعه اشتغالزایی روستایی کشور

محمد صادق عزیزیان¹، محمد دانا سالم² و سید علیرضا ابراهیمی³

¹ مدرس دانشگاه جامع علمی-کاربردی، واحد استان کردستان، Climatologist2020@gmail.com

² مدیر گروه معماری دانشگاه علمی-کاربردی کردستان مرکز جهاد دانشگاهی، M.dana.salem@gmail.com

³ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته مهندسی تغذیه دام دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، Alireza4976@gmail.com

چکیده - در عصر ظهور اقتصادهای دانش بنیان، فرایند تغییر و تحول مستمر و پرشتاب از عمده‌ترین جریان‌های حاکم بر حیات بشری و از مهم‌ترین مشخصات بارز آن به شمار می‌رود. فرایند کارآفرینی و خلاقیت که اساس و بستر ساز تغییر و تحول و دگرگونی است، نقش بسیار بنیادین و تعیین کننده‌ای در این زمینه ایفا می‌کند. بنابراین جوامع و سازمان‌هایی که نتوانند خود را با این تغییر و تحول شتابان وفق دهند از قافله عقب می‌مانند و مجبور به ترک صحنه می‌باشند. لذا امروزه تمامی سازمان‌ها، شرکت‌ها و جوامع سعی می‌کنند تا این فرایند را بخوبی درک، و آن را پیاده نمایند. جوامع روستایی نیز همچون سایر جوامع باید بتوانند این فرایند و ابزارها و الزامات آن را بخوبی بشناسند و منابع و فرصت‌های خود را بدست کارآفرین و کارآفرینان بسپارند. لذا یکی از مهمترین راهکارها در جهت توسعه روستایی پایدار رشد و توسعه کارآفرینی روستایی است. با توجه به اینکه در زمان‌های مختلف استراتژی‌ها و راهبردهای متفاوتی برای توسعه روستایی در جهان مطرح بوده، در سال‌های اخیر نیز، کارآفرینی به عنوان یک استراتژی، به راهبردی جدید در توسعه روستایی تبدیل شده است. این پژوهش با هدف بررسی، شناخت، تجزیه و تحلیل نقش کارآفرینی در توسعه روستایی و اشتغالزایی در آن و اتخاذ شیوه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی جهت ایجاد و توسعه کارآفرینی در محیط‌های روستایی برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی کشور انجام شده است. نتایج پژوهش نشانگر اینست که در کشور به کارآفرینی روستایی تا بحال توجه چندانی نشده است، لذا لازم است که در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستاهای کشور به مقوله کارآفرینی توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

کلید واژه‌ها - کار آفرینی روستایی، توسعه روستایی، اشتغال روستایی.

1. مقدمه

مناسب، بهترین آنها باشد. وجود حمایت‌های مستمر از کارآفرینان روستایی، توسعه بسترهای مناسب (از نظر زیر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی) در مناطق روستایی، تشویق کارآفرینان روستایی و ... می‌تواند از کارآفرینی، راهکار عملی مناسب برای اهداف توسعه روستایی یعنی ایجاد اشتغال مفید، افزایش درآمد و مشارکت و اتکا به نفس روستائیان بسازد. مطالعات مختلف نشان داده است که یکی از مهمترین اهداف توسعه اقتصادی (چه در شهرها و چه در روستاها) ایجاد اشتغال و مهمترین ساز و کار و ابزار آن، کارآفرینی است. اقتصاد دانان آن را مهمترین پیشران توسعه اقتصادی روستاها سیاستمداران آن را یک استراتژی کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی در روستاها، کشاورزان و روستائیان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن را مکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود که می‌تواند خود مختاری، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آن را در پی داشته باشد می‌دانند [4]. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره گیری از منابع متعدد فارسی راهبردهای مختلف توسعه روستایی و همچنین جایگاه استراتژی کارآفرینی در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی و اشتغالزایی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

1.1. تعاریف و مفاهیم

1.1.1. توسعه روستایی

در ادبیات توسعه، تعاریف متعددی از توسعه روستایی وجود دارد. هر چند این تعاریف دارای اختلافات بسیاری هستند، اما در کل، مفهوم و اهداف مشترکی دارند. دیاسن معتقد است توسعه روستایی راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم (روستائیان فقیر) طراحی شده است [1]. از دیدگاه رابرت چمبرز «توسعه روستایی راهبردی است برای توانمند ساختن گروه خاصی از مردم شامل زنان و مردان فقیر». میسرا معتقد است که توسعه روستایی صرفاً توسعه کشاورزی نیست، همچنین موردی از رفاه اجتماعی هم نمی‌باشد که با تزریق پول به مناطق روستایی برای رفع نیازهای اولیه و اساسی انسان مرتفع شود بلکه توسعه روستایی طیف وسیعی از فعالیت‌های گوناگون و بسیج مردم را شامل می‌شود که مردم را توانمند می‌سازد که به روی پای خود ایستاده و مشکلاتشان را حل نمایند [5].

نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه نشینی شهری، و غیره موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است. به نظر مایکل تودارو «ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی قرار دارند، بلکه به این علت است که راه حل نهایی مسئله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است» [1]. بنابراین، یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی در می‌بایم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود. اکنون در عرصه‌های جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشا تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و از آنان نیز به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود. چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آید [2]. اکثر اقتصاددانان و صاحب‌نظران معتقدند: کارآفرینی نیروی اصلی توسعه اقتصادی بحساب می‌آید، که با استفاده از تغییر و نوآوری، رشد تولید و خدمات را به وجود می‌آورد. بنابراین از یک سو مسائل و مشکلات موجود در روستاها که دامنگیر شهرها و کل کشور نیز شده و ریشه اکثر آنها، بیکاری موجود در روستاهاست. از سوی دیگر با توجه به ویژگی‌های کارآفرینان و اهمیت و نقش کارآفرینی در شناسایی فرصت‌های جدید شغلی و ایجاد اشتغال، افزایش ثروت، رشد تولید و خدمات می‌تواند بعنوان راهبرد جدیدی برای کاهش بیکاری، افزایش درآمد، کاهش فقر و جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی در واقع بعنوان یک راهبرد و استراتژی جدید در توسعه روستایی مطرح شود و می‌توان گفت که توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی یافته است [3]. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد و در نتیجه افزایش درآمد روستائیان می‌شود. البته قابل ذکر است که کارآفرینی تنها راهکار اشتغالزایی و افزایش درآمد روستائیان نمی‌باشد، اما می‌تواند در کنار سایر راهکارهای

1.1.2. کار آفرین کیست؟

ریشه کلمه کارآفرین «Entrepreneur» از فعل «entreprendre» که یک کلمه فرانسوی و به معنی «متعهد شدن» است، می‌باشد.

1.1.3. کارآفرینی

اصطلاح کارآفرینی «Entrepreneurship» در معنا و مفهوم فعلی را اولین بار ژوزف شومپیتر به کار برد. این اقتصاددان که او را پدر علم کارآفرینی می‌نامند بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد بود که افرادی در بین سایر آحاد جامعه با خطرپذیری، اقدام به نوآوری کرده و با این کار روش‌ها و راه‌حل‌های جدید جایگزین راهکارهای ناکارآمد و کهن قبلی شود. تخریب خلاق تفکرات و آزادی «شومپیتر» با انقلاب اطلاعات و شروع عصر فراصنعتی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار شد؛ زیرا کارآفرینان به عنوان عاملین تغییر و فرآیند تغییر و تحول در نظام اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و حجم قابل توجهی از تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با آن طی دهه‌های 70، 80 و 1990 میلادی صورت پذیرفت [6].

کارآفرینی، فرآیندی است که منجر به ایجاد رضایتمندی و یا تقاضای جدید می‌گردد. کارآفرینی عبارتست از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها [7]. شومپیتر کارآفرینی را عامل محرک رشد اقتصادی می‌داند و سوتو از آن به عنوان پایه و اساس توسعه یاد می‌کند.

1.1.4. کارآفرینی روستایی

کارآفرینی روستایی و کارآفرینان روستایی در اصل هیچ تفاوتی با سایر کارآفرینان و کارآفرینی ندارند. در واقع کارآفرینان روستایی همان ویژگی‌هایی دارند که کارآفرینان سایر مناطق دارند.

حتی به دلیل بالا بودن ریسک در فعالیت‌ها و محیط‌های روستایی، همچنین به دلیل کمبود امکانات و ضعف مدیریت در محیط‌های روستایی، کارآفرینان روستایی باید بمراتب از قدرت ریسک‌پذیری بیشتری نسبت به سایرین برخوردار باشند.

بنابراین کارآفرینی در محیط‌های روستایی به دنبال شناسایی فرصت‌های جدید، نوآوری و خلاقیت در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی، نوآوری و خلاقیت در کاربری زمین و در واقع، استفاده بهینه، متنوع و نوآورانه از منابع روستایی در جهت کسب سود بیشتر است [8].

2. بحث و نتایج

2.1. کارآفرینی و کارآفرینی روستایی

در عصر حاضر که عصر دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکارات است، توجه به کارآفرینی در توسعه پایدار و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد. کارآفرینی از منابع مهم و پایان‌ناپذیر جوامع بشری است. منبعی که به توان و خلاقیت انسانها بر می‌گردد. کارآفرینان تغییر را بعنوان یک پدیده معمولی بدان می‌نگرند همیشه در جستجوی آن هستند به آن واکنش نشان داده و از آن بعنوان یک فرصت استفاده می‌کنند. کارآفرینی بعنوان موتور متحرک توسعه پایدار اقتصاد است زیرا می‌تواند باعث رشد و توسعه پایدار اقتصادی کشورها، افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی شود [7]. برخی معتقدند لازم است که در جوامع انقلاب کارآفرینی رخ دهد. این انقلاب در قرن حاضر اهمیتی به مراتب بیشتر از اهمیت انقلاب صنعتی دارد. تجربه موفقیت آمیز اغلب کشورهای پیشرفته و نیز برخی کشورهای در حال توسعه در مدیریت بحران‌های اقتصادی، به یمن توجه و التفات به توسعه کارآفرینی و کارهای نوآورانه بوده است و به همین علت برای کارآفرینی و کارآفرینان اهمیت خاصی قائل می‌گردند. افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت چرخ‌های توسعه اقتصادی پایدار به عهده دارند و منشاء تحولات بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در سطح سازمان محسوب می‌گردند. از کارآفرینی بعنوان سنبل و نماد تلاش و موفقیت در امور تجاری یاد کرده‌اند [9]. امروزه اهمیت فرآیندهای کارآفرینانه در شرکت‌های بزرگ بیش از گذشته مورد تاکید قرار گرفته و محققین کانون توجه خود را به چگونگی القاء مقوله کارآفرینی در ساختار اداری شرکت‌های بزرگ معطوف نموده‌اند. کارآفرینی بیان می‌کند که چگونه افراد بصورت مستقل و یا در داخل سازمان، مسائل و چالش‌های ناشناخته را می‌بینند و چارچوبی جدید از ابزارها و اهداف ایجاد می‌کنند تا از آنها استفاده کنند. در راستای استفاده از فرصت‌ها، کارآفرینان کالاها یا خدماتی را به جامعه عرضه می‌کنند که مشتری پسند بوده و بازار یا محیط خواهان آنهاست. بنابراین کارآفرینان اطلاعات کاملی از بازار و محیط دارند. آنها معمولاً از طریق فرآیند مبادله و تعامل با محیط این اطلاعات را فراهم می‌کنند. در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نیز برخی کشورهای در حال توسعه طی چند دهه اخیر توجه خاصی به موضوع کارآفرینی و کارآفرینان شده است. علت این توجه به موضوع نقش مهم، مثبت و سازنده کارآفرینان در توسعه اقتصادی پایدار و بهره‌برداری از این انرژی

و نیروی بالقوه در جهت مقابله با مسائل و چالش‌هایی نظیر تورم، رکورد و بخصوص بیکاری بوده است. نتایج این توجه در اغلب کشورها قابل ملاحظه بوده است [10]. مطالعه و مقایسه تطبیقی نتایج بدست آمده ناشی از اثرات توجه به موضوع کارآفرینی و کارآفرینان در دیگر کشورها می‌تواند اهمیت آنرا بیش از پیش نمایان ساخته و راهنمای خوبی در استفاده از تجربه آنها برای ایران باشد. براساس تحقیقات انجام شده در میان 47 کشور صنعتی و نیز در حال توسعه با توجه به پنج شاخص مهم اقتصادی مرتبط با کارآفرینی شامل: درصد ایجاد اشتغال، سرانه تولید ناخالص داخلی بزاء هر نفر شاغل، توانایی سرمایه گذاری مخاطره آمیز و ریسکی برای توسعه کسب و کار، میزان درک مدیران از کارآفرینی و بالاخره هزینه کل تحقیقات تایید شده است که بین میزان توجه به فعالیت‌های کارآفرینانه و بهبود شاخص‌های مذکور در کشورهای مورد مطالعه رابطه مثبت وجود دارد. تغییر و تحولات موجود در دنیای امروز کارآفرینان را در خط مقدم عامل توسعه اقتصادی پایدار قرار داده است. پترین کارآفرینی روستایی را در مجموع سه گزاره ذیل تعریف می‌نماید:

- 1- نیرویی که سایر منابع را برای پاسخگویی به یک تقاضای بی پاسخ بازار بسیج می‌کند.
 - 2- توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ
 - 3- فرآیند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه‌ای واحدی از منابع در راستای بهره‌گیری از یک فرصت [11].
- آنچه در مجموع می‌توان برای تعریف مقوله کارآفرینی روستایی بکار برد عبارتست از: بکارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصت‌های کسب و کاری.

2.2. نقش کارآفرینی در توسعه روستایی

بدون تردید روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای روبرو هستند، از این رو تضمین و تداوم حیات و بقا روستاها نیازمند یافتن راه حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات می‌باشند که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرآیندها و روش‌های جدید بستگی زیادی دارد. برای نیل به این هدف، مدیران باید به نقش‌هایی روی آورند که متناسب با شرایط متحول محیطی باشد.

اخیراً استراتژی‌های توسعه روستایی تجدید نظر شده توسط بسیاری از موسسات ملی و بین‌المللی مجدداً بر کاهش فقر از طریق رشد اقتصادی تاکید می‌کنند [12]. توسعه اقتصادی در مناطق روستایی نیازمند استراتژی‌هایی است که بتواند توسعه کارآفرینی، موسسات اجرایی تاثیر گذار و توانا سازی سیاست‌های

محیطی را تشویق کنند. از آنجا که اقتصاد روستایی بطور قابل توجهی با فعالیت‌های کشاورزی مرتبط است تقریباً همه فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی، بطور مستقیم یا غیر مستقیم با کشاورزی، جنگلداری و سایر منابع طبیعی در ارتباط است. بنابراین نیاز به افزایش ارتباطات بین بخشی، مابین کشاورزی و کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی و همچنین فعالیت‌های اقتصادی غیر کشاورزی وجود دارد [13]. بنابراین توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی یافته است. در حال حاضر موسسات و اشخاص صاحب نظر در توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی را به عنوان شیوه‌ای مداخله جویانه در توسعه می‌دانند که قادر است روند توسعه روستاها را تسریع کند [14].

2.3. راهکارهای توسعه کارآفرینی روستایی

عده‌ای از بررسی و تحلیل مطالعه انجام شده، می‌توان به یافته‌های زیر اشاره کرد:

1- بدون وجود یک استراتژی کلان توسعه و توسعه اقتصادی مشخص، نمی‌توان توفیقی در امر توسعه روستایی و توسعه کارآفرینی در روستاها بدست آورد. قطعاً باید تمرکززدایی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین سیاست‌های کلان توسعه کشور باشد.

2- استراتژی توسعه اقتصادی کشور باید بخوبی جایگاه روستاها و رویکرد توسعه روستایی مطلوب را مشخص ساخته و برای آن ارزش و اهمیت کافی قایل شود. مثلاً نمی‌توان با انتخاب یک استراتژی صنعتی شدن (همچون کشور ما که اخیراً توسط وزارت صنایع و معادن معرفی شده است) به توسعه روستایی و (توسعه کشاورزی) دست یافت.

3- توسعه روستایی معادل توسعه کشاورزی نیست. توسعه کشاورزی باید به عنوان زیر مجموعه توسعه روستایی تلقی شود. بعلاوه کشور نباید صرفاً بر توسعه کشاورزی متمرکز گردد، چون توسعه کشاورزی الزاماً به توسعه روستایی منتهی نمی‌گردد.

4- بهترین استراتژی توسعه روستایی، ترکیبی از رویکرد ساختارهای سلسله مراتبی سکونت‌گاه‌ها، توسعه روستایی یکپارچه و توسعه پایدار است. لازم به ذکر است توسعه پایدار ما را مجاز به بهره‌برداری بیشینه از زمین و منابع طبیعی نمی‌داند. جالب است که بدانیم بسیاری از کشورهای پیشرفته (همچون آلمان) به کنترل و محدودسازی کشاورزی و استفاده از جنگل‌ها و مراتع خود پرداخته‌اند و بیشتر مایلند اینگونه مواد و محصولات

مورد نیاز خود را از دیگر کشورها تامین کنند تا محیط زیستشان سالم باقی بماند.

5- توسعه روستایی صرفاً از طریق توسعه زیرساخت‌های عمرانی و ارائه خدمات اجتماعی رخ نمی‌دهد. بلکه نیازمند اشتغالزایی درآمدزا برای روستاییان و تسریع توسعه فرهنگی آنان (در مقابل جذابیت‌های فرهنگی - اجتماعی شهرها) است.

6- سر و ساماندهی به ساختار سلسله مراتبی سکونت‌گاه‌های کشور بسیار ضروری است. باید روستاهای مرکزی‌تر (بزرگ‌تر و دارای امکانات بیشتر) روستاهای کوچک‌تر و پراکنده اطراف خود را پوشش داده و این روستاها از طریق شهرک‌ها یا شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ (و در نهایت کلان شهرها) ارتباط یابند. به هر حال ممکن است در این فرآیند لازم باشد تا بسیاری از مناطق دور افتاده‌تر یا غیرقابل دسترس (که طبق روند موجود نیز در حال تخلیه و نابودی هستند) نیز از گردونه خارج شده و ساکنان آن‌ها به دیگر روستاها یا مناطق جدید کوچ داده شوند.

7- باید با ارائه خدمات اجتماعی و اقتصادی مناسب در نقاط واسطی همچون روستاهای مرکزی و شهرک‌ها و شهرهای کوچک، از مهاجرت مستقیم روستاییان به شهرهای بزرگ جلوگیری نمود. بعلاوه وجود چنین نقاط میانجی باعث خواهد شد که بسیاری از روستاییان علاوه بر حفظ کار خود در روستا از زندگی شهری نیز برخوردار شده و بعضاً دارای کسب و کار جدیدی در آن نقطه واسط (در کنار شغل روستایی خود) نیز شوند که این خود زمینه افزایش درآمد و رفاه آنان را فراهم می‌سازد.

8- اساساً ناپستی صرفاً توسعه روستایی و توسعه کارآفرینی روستایی را در بافت خود روستا تصور نمود. بلکه باید بدان به صورت ملی نگرست. به همین جهت از مهمترین راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغالزایی در مناطق روستایی می‌توان به ایجاد شهرک‌های کسب و کاری اشاره کرد. این شهرک‌ها با ایجاد فضای مناسب برای رشد کسب و کارها و کارآفرینی همچون انکوباتوری باعث رشد شرکت‌ها و بنگاه‌های روستایی می‌گردند.

9- در اکثر کشورهای جهان، نسبت جمعیت روستایی به جمعیت کل کشور در حال کاهش است بطوریکه در اغلب کشورهای پیشرفته این مقدار زیر 10 درصد می‌باشد. جدای از مسایل مربوط به روند رشد طبیعی شهرنشینی در تمامی جهان، علت اصلی این کاهش، محدود بودن ظرفیت تولید مناطق روستایی (به خصوص در حوزه‌های مربوط به کشاورزی) است. با صنعتی شدن و علمی شدن کشاورزی در کشورها، بهره‌وری منابع

تولید روستایی نیز افزایش یافته و بالتبع (در درازمدت) نیازمند نیروی انسانی کمتری است. این روند خود به خود باعث افزایش بیکاری و کاهش درآمد روستاییان دارای زمین و امکانات کمتر می‌شود. به همین جهت یکی از استراتژی‌های اصلی اشتغالزایی در مناطق روستایی، حرکت به سمت صنایع و کسب و کارهای غیرکشاورزی است. اینگونه کسب و کارها در چند حوزه اساسی قرار می‌گیرند: صنایع تبدیلی، صنایع فرهنگی، خدمات، امور دولتی و ...

10- صنایع تبدیلی از جمله مهمترین زمینه‌های مربوط به توسعه کشاورزی، توسعه روستایی و توسعه اشتغالزایی در روستاها است. وظیفه اصلی این صنایع، فرآوری محصولات کشاورزی و دامی روستا و تبدیل آن‌ها به کالاهایی نهایی‌تر و باارزش‌تر است. این امور اکثراً در صنایع و کارخانه‌های شهری انجام می‌شود. انجام این امور در روستاها یا نواحی اطراف روستاها باعث خلق ارزش افزوده بیشتر در این مناطق و تحریک تولید می‌شود. بعلاوه کیفیت و دوام محصولات نیز افزایش یافته و قدمی روبه جلو در راستای تحکیم امنیت غذایی کشور برداشته می‌شود. توسعه این گونه صنایع که به دانش و فناوری فوق‌العاده‌ای نیازمند نیستند، امری امکان‌پذیر برای نواحی روستایی محسوب می‌شود. بسیاری از روستاییان نیز که در شهرها نیز در همین نوع صنایع و کسب و کارها به کار مشغول می‌شوند، کمتر به مهاجرت متمایل خواهد گشت. اینگونه صنایع، امکان صادرات مستقیم محصولات و کالاها به دیگر کشورها را فراهم آورده و باعث افزایش رونق مناطق روستایی خواهد شد.

11- صنایع فرهنگی از جمله صنایع ریشه‌دار در مناطق روستایی محسوب می‌شوند و به جرات می‌توان گفت زادگاه این صنایع محسوب می‌شوند. اگرچه صنایع فرهنگی گستره وسیعی را در بر می‌گیرند، اما مناطق روستایی بیشتر بر صنایع دستی متمرکز می‌باشند. از آنجاییکه روستاییان وقت آزاد به‌نسبه زیادی (به خصوص به صورت فصلی) در اختیار دارند، اکثراً بر زمینه‌ای از اینگونه صنایع وارد می‌شوند. اینگونه مصنوعات یا مورد استفاده شخصی و خانوادگی قرار می‌گیرند یا اینکه به عنوان کمک خرج (در کنار درآمد اصلی از کشاورزی) مورد استفاده قرار می‌گیرند. مواد اولیه مورد نیاز صنایع دستی، به وفور در مناطق روستایی موجود می‌باشد، بعلاوه اینکه نیازمند دانش فوق‌العاده یا فناوری سطح بالایی نیز نمی‌باشند. شایان ذکر است این صنایع، زمینه اشتغال مناسبی نیز برای زنان (به عنوان قشر عظیمی از جمعیت روستایی) محسوب می‌شود. از یک طرف آنان را از فضای خانه

دور نکرده و از طرف دیگر با شرایط جسمانی و روحی آنان سازگاری بیشتری دارد.

12- صنعت گردشگری (توریسم) نیز از دیگر صنایع فرهنگی محسوب می‌شود که زمینه رشد فوق‌العاده‌ای در مناطق روستایی دارد. طبیعت زیبای مناطق روستایی همراه با جاذبه‌های سنتی روستانشینان، زمینه مورد علاقه گردشگران داخلی و خارجی محسوب می‌شود. توسعه این صنعت که با هزینه قابل توجه‌ای همراه نیست، در حاشیه خود باعث توسعه کسب و کارهای فراوانی خواهد شد.

13- خدمات، زمینه فوق‌العاده اشتغالزایی است که حوزه در حال رشدی در اکثر کشورهای جهان محسوب می‌شود بطوریکه بسیاری از اندیشمندان، اقتصاد نوین را اقتصاد خدماتی می‌نامند. خدمات، زمینه بسیار مستعدی برای اشتغالزایی است چون در یک اقتصاد روبه رشد و پویا، نمی‌توان هیچ‌گونه محدودیتی برای توسعه خدمات در نظر گرفت. بعلاوه خدمات زمینه مناسبی برای خلافت و نوآوری افراد محسوب می‌شود. بخش عمده‌ای از کارآفرینی‌ها در حوزه خدمات اتفاق می‌افتد. خدمات اجتماعی، خدمات بهداشتی، خدمات فنی، خدمات آموزشی، تجارت، خدمات اقتصادی و مالی و خدمات ارتباطی از جمله مهمترین زمینه‌های قابل توسعه و اشتغالزا در روستاها هستند. قطعاً مشارکت دولت در این زمینه می‌تواند تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده فرآیند توسعه خدمات در روستاها باشد.

14- دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های مختلف برای ارایه خدمات دولتی در مناطق روستایی، زمینه اشتغالزایی و کارآفرینی فوق‌العاده‌ای را در روستاها ایجاد نماید. طیف این امور نیز بسیار گسترده است: از امور اداری، اقتصادی، انتظامی، بیمه و تامین اجتماعی گرفته تا مراقبت از محیط زیست، حفظ و توسعه مراتع و جنگل‌ها (و حتی پاسداری از مرزها و منافع عمومی و ملی). استخدام نیروهای کاری در این زمینه‌ها باید به صورت محلی انجام پذیرد و تا حد ممکن به بخش خصوصی واگذار گردد. این امر از طرف دیگر باعث کاهش حرکت و مهاجرت روستاییان به شهرها برای دریافت اینگونه خدمات خواهد شد. تحقق دولت الکترونیکی در سطح روستاها، چشم‌اندازی مطلوب برای آینده است که اکثر کشورها در حال حرکت به سمت آن می‌باشند.

15- “رویکرد خوشه‌ای” به توسعه، نگرش به‌نسبه جدیدی است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه در کشورهای مختلف بکار می‌گیرند. نگاه کل‌نگرانه و منسجم به مسایل و کل فضای مربوط به یک مقوله، مدیران را در اجرای برنامه‌های

توسعه با موفقیت بیشتری همراه می‌سازد. توسعه روستاها بر مبنای توسعه خوشه‌های صنعتی، خوشه‌های فناوری و خوشه‌های دانشی روستایی، راهکار مناسبی برای توسعه روستاها و توسعه کسب و کارهای روستایی است.

16- اکثر کشورهای جهان (بالاخص کشورهای پیشرفته) در حال حرکت به سمت ایجاد جامعه دانش بنیان، جامعه یادگیرنده و جامعه اطلاعاتی هستند. جامعه دانش بنیان و جامعه یادگیرنده دو روی یک سکه هستند که از مسیر تشکیل و تکامل یک جامعه اطلاعاتی می‌گذرند. اقتصادهای دانشی و اطلاعاتی دارای الزامات و ساختاری هستند که اگر از آن‌ها غفلت شود اقشار روستایی از جمله آسیب‌پذیرترین گروه در آن خواهند بود. بدین جهت، اکثر کشورها برنامه‌هایی برای تقویت زیرساخت‌های اطلاعاتی جوامع روستایی خود (و ارتقای سواد اطلاعاتی آنان) و مدیریت اثر بخش دانش در این مناطق (در تعامل با مناطق شهری) دارند.

17- توسعه فناوری‌های مناسب و اشاعه آنها در مناطق روستایی نقش بسزایی در توسعه کسب و کارها دارد. توسعه فناوری‌های زیستی (بیوتکنولوژی) و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی باعث افزایش توانمندی‌های نوآوران و کارآفرینان روستایی و شهری (برای فعالیت در روستاها) خواهد شد. اشاعه این فناوری‌ها به روستاها، موجی عظیم از فرصت‌های اشتغال را به این مناطق سرازیر می‌نماید. بویژه امروز توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در مناطق روستایی علاوه بر اینکه باعث تسهیل و بهبود امکانات و شرایط روستاییان می‌شود، فرصت‌های کاری خوبی را نیز در اختیار قشر به‌نسبه تحصیل‌کرده روستا می‌گذارد.

18- ادغام فناوری‌های سنتی موجود در مناطق روستایی کشور با فناوری‌های نوین و پیشرفته راهکار مناسبی برای پیشرفت و روز آمد شدن محصولات و کالاهای ساخت روستا است. بسیاری از محصولات سنتی را می‌توان با ابزارها و تجهیزات نوین تولید نمود یا آنان را با فناوری‌های جدید آغشته نمود. این امر باعث بقای صنایع سنتی فعلی و بعضاً توسعه بازار (رو به اضمحلال) آنان خواهد شد.

19- توسعه فناوری امید رویکرد مناسبی برای ارتقای کیفیت و زندگی روستاییان است. این مفهوم که اولین بار توسط راشمی مایر (اندیشمند و آینده پژوه هندی) مطرح گردید، تصریح می‌دارد که الزاماً توسعه کشورهای در حال توسعه و (ورود به عصر فراصنعتی) از مسیر صنعتی شدن و الگوهای توسعه کلاسیک تجویزی غربی نمی‌گذرد. بسیاری از کشورهای توسعه

نیافته (بالاخص در مناطق روستایی) می‌توانند با بکارگیری مجموعه‌ای از فناوری‌های نرم و اثر بخش که هزینه سرانه اندکی دارند، در دسترس می‌باشند و باعث آلودگی محیط زیست نمی‌شوند، یک مسیر "توسعه اقتصادی نرم" را بیمایند و جوامع خود را از فقر و فلاکت برهانند. از جمله این فناوری‌ها می‌توان منابع انرژی تجدیدپذیر (همچون سلول‌های خورشیدی و بیوگازها)، فناوری‌های ارتباطی ارزان قیمت (تلفن‌های رادیویی) و فناوری‌های مالی و اقتصادی اشاره کرد. استفاده از این فناوری‌ها ارزان و نیازمند دانش تخصصی سطح بالایی نیست.

20- فرهنگ سازی از مهمترین و زیربنایی‌ترین اموری است که باید برای توسعه روستاها و توسعه کارآفرینی در آنها صورت گیرد. کارآفرینی نیازمند فرهنگ خاصی است که پرورش آن بسیار سخت و نیازمند تلاشی طولانی مدت است. توانایی درک تغییرات و کشف فرصت‌ها، مشارکت و کار گروهی، خلاقیت و نوآوری، روحیه استقلال طلبی و مسؤولیت‌پذیری، مخاطره‌پذیری و مخاطره‌جویی، همگی از عناصر اصلی سازنده این فرهنگ هستند که نمی‌توان صرفاً با انجام برنامه‌های کوتاه‌مدت و ضربتی به آنها دست یافت. بهترین راهکارهای توسعه فرهنگ کارآفرینی در روستاها، ارتقای "سواد کارآفرینی" روستائیان از طریق برنامه‌های آموزشی و ترویجی مختلف است. علاوه بر تدوین ساختار و معماری مشاغل روستایی و آموزش ماژولار عناصر سازنده آنها یکی از رویکردهای آموزشی نوین و اثربخش می‌باشد. صرفاً توسعه سواد خواندن و نوشتن (سواد عمومی و پایه) راهگشای مسایل روستایی نخواهد بود، بلکه توسعه مجموعه‌ای از سوادهای فرهنگی، فناوری و اطلاعاتی باعث توانمند شدن روستائیان شده و آنان را در ایجاد، توسعه و بهره‌برداری از کسب و کارها و منابع خود یاری می‌رساند.

21- سه استراتژی اساسی برای توسعه کارآفرینی روستایی وجود دارد: یکی جذب کسب و کارها از دیگر مناطق (به‌خصوص مناطق شهری) به روستاها، که در مجموع و از نگاه ملی چندان مفید نیست. دوم حفظ و توسعه کسب و کارهای موجود از طریق سیاست‌ها حمایتی، که عموماً سیاست‌گذاران و مدیران کشور به آن توجهی نمی‌کنند. سوم حمایت از ایجاد و تولید کسب و کارهای جدید از دل خود مناطق روستایی، که معمولاً مد نظر می‌باشد، اما نیازمند برنامه‌ریزی منسجم و بلند مدت می‌باشد.

22- به نظر نمی‌رسد هیچ گروهی مستعدتر از فارغ‌التحصیلان روستازاده برای امر کارآفرینی روستایی باشند. ایجاد شرایطی مناسب برای فعالیت و جذب این افراد به فضاهای روستایی از مهمترین مسایل پیش روی مدیران توسعه روستایی

است: ایجاد شهرک‌های کسب و کاری، ایجاد مراکز رشد (انکوباتور) روستایی و پارک‌های کارآفرینی، اعطای تسهیلات و امکانات به آنها، آرایه آموزش‌های کارآفرینی به آنها، ایجاد آموزشگاه‌های مختلف (که به آموزش کارآفرینی نیز بپردازند) در مناطق روستایی و نقاط واسط، ایجاد مراکز آموزشی، تحقیقاتی و علمی در مناطق روستایی مستعد و تقویت ارتباطات این‌گونه مراکز با روستاها، تحریک و انگیزش آنان به توسعه و آبادانی زادگاه‌های خود از طریق مدیران و رهبران کشور.

23- ایجاد فضای مدیریت مشارکتی در روستاها و همراه نمودن آنان در تصمیم‌گیری‌های انجام شونده در مورد خود آنان از جمله مهمترین ساز و کارهای توسعه روستایی و بسط کارآفرینی است. روحیه مشارکت‌جویی در توسعه منطقه خود، از مهمترین الزامات و پیشران‌های کارآفرینی روستایی محسوب می‌شود که از طریق بسط مردم سالاری در سطح روستاها ناشی می‌شود. شوراها از مهمترین ساز و کارهای این امر هستند. کمک به ایجاد تعاونی‌ها و مشارکت در فرآیند تکامل و موفقیت آنان از مهمترین اقدامات دولت‌ها محسوب می‌شود.

3. نتیجه‌گیری

در دنیای موسوم به عصر اطلاعات یکی از شروط بنیادی برای دسترسی به الگوهای توسعه در ابعاد چندگانه انسانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میزان مشارکت و درگیری همه عوامل در اختیار جوامع می‌باشد که در این بین باید اذعان نمود که توسعه روستایی بعنوان زیر بنای رشد اقتصادی جامعه می‌تواند واجد نقش و تاثیر محور باشد. اینک سوال اساسی این است که این توسعه چگونه باید اتفاق بیفتد تا جامعه با اتکالی به یکی از این عوامل استراتژیک خود به طرز معجزه آسایی و با تحمل کمترین هزینه توان حضور در عصر متلاطم جامعه اطلاعاتی را بیابد؟ در پاسخ به این سوال می‌توان اذعان نمود که از بین رویکردهای مختلفی که برای این امر تصور است عنصر کارآفرینی آنچنانکه اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی به کرات یادآوری گردیدند می‌تواند بعنوان یکی از مهمترین و بهترین گزینه‌های توسعه یافتگی تلقی گردد. اشاره گردید تحقق تمامی انواع کارآفرینی بعنوان ابعاد انقلاب عظیم کارآفرینانه و جایگزینی اقتصاد کارآمد کارآفرینی به جای مدل‌های قدیمتر اقتصادی یکی از مهمترین راهبردها در جهت تحقق اهداف توسعه یافتگی ملتها مطرح بوده و پیشنهاد می‌گردد، چرا که در این مدل اصل بر به خدمت گرفتن همه توانمندی‌های

- [7] محمد احمد پور و همکاران "تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب" انتشارات امیرکبیر، 1379.
- [8] پوشهری علیرضا "فن آفرینی" سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان، 1381.
- [9] افسانه فرهادیان "جایگاه و نقش صنایع روستایی در توسعه روستایی" نشریه جهاد، شماره 258، مرداد و شهریور 1382.
- [10] علیرضا استعلاجی "بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی - ناحیه‌ای" نشریه جهاد، شماره 250-251 و 252، خرداد و تیر و مرداد 1381.
- [11] پترین تی (ترجمه حمیدرضا زرنگار) "کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی" نشریه جهاد، شماره 253، مهر و آبان 1381.
- [12] محمد حسین عمادی و اسفندیار عباسی "کارآفرینی در روستا" نشریه جهاد، شماره 250-251، خرداد و تیر 1381.
- [13] محمود متوسلی "توسعه اقتصادی" سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، 1382.
- [14] مایکل تودارو (ترجمه غلامرضا فرجادی) "توسعه اقتصادی در جهان سوم" موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، 1382.

انسانی جامعه در جهت ارتقای سطح بهره‌وری می‌باشد. امروزه کارآفرینی بعنوان یک استراتژی و راهبرد در توسعه شکوفایی و رشد جوامع انسانی به جایگزین بی بدیلی تبدیل گشته است که از طریق آن همه‌ی عوامل و منابع و امکانات یک جامعه بصورت خود جوش و از راه قرار گرفتن در یک روند تکاملی در جهت نیل به آرمان‌های بلند اجتماعی بسیج گردیده تا منشاء بسیاری از آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی - اجتماعی گردند. موضوعی که در خصوص اهمیت کارآفرینی و ارتباط مستقیم آن با اعتلای ملی یک ملت باید جدی تلقی گردد آن چیزی است که علیرغم همه اهمیت آن در جامعه مع الاوصاف مغفول واقع گردیده و توجه درخوری به آن نشده است و آن چیزی جز اهمیت دادن به نقش "کارآفرینی روستایی و کارآفرینان" ساکن در محیط‌های روستایی نمی‌باشد. اگر ما روستاها را محورهای استراتژیک کشاورزی و تولیدات و فرآورده‌های غذایی جامعه بدانیم که نیاز به آن رو به تزاید گذاشته است به نقش بی نظیر آن در پیشرفت و رشد و شکوفایی پی خواهیم برد و درک خواهیم کرد که نادیده گرفتن سهم روستا و روستا نشینان هزینه‌ها و تبعات ناگواری را در پی خواهد نهاد. آن چیزی که امروزه تحت عنوان معضلات اجتماعی - اقتصادی برگردن جامعه سنگینی نموده و باعث بی نظمیها و اضطراب‌های اجتماعی در اشکال مختلف بویژه ناامنی‌ها، ناهنجاری‌های رفتاری و کج خلقی‌های اجتماعی و بداخلاقی‌ها و نیز بروز پدیده‌های شومی همچون رشد بی رویه مهاجرت و افزایش میزان حاشیه نشینی در اطراف کلان شهرها و بسیاری مشکلات دیگر می‌باشد.

مراجع

- [1] مصطفی ازکیا "جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران" انتشارات اطلاعات، 1381.
- [2] محسن ابراهیم‌پور و احمد ترک‌نژاد "آموزش و بسط اشتغال در روستا" نشریه جهاد، شماره 250-251، خرداد و تیر 1381.
- [3] مهرداد توده روستا "ایجاد اشتغال در مناطق روستایی، راهی به سوی توسعه روستایی و غلبه بر فقر" نشریه جهاد، شماره 257، خرداد و تیر 1382.
- [4] ابوطالب شفق، حسن درویشی، عباس نامدار علی آبادی و رمضان غلامی "ارائه الگوی کارآفرینی روستایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی" همایش ملی توسعه پایدار روستایی با تاکید بر بخش کشاورزی، 1390.
- [5] گریفین کیت (ترجمه حسین راغفر و محمدحسین هاشمی) "راهبردهای توسعه اقتصادی" نشر نی، 1382.
- [6] موسسه توسعه روستایی ایران "چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه روستایی ایران" تهران، 1382.